

## « جنبش مسلمانان ایران »

### بسمه تعالی

مثل الذین کفروا برهم اعمالهم کرمادا شدتت به الريح فی يوم عاصف لا یقدرون مما کسبوا علی شیء ذلک هو الضلال البعید. حاصل تلاشها و اقدامات کسانیکه حق را پوشاندند بمنزله تل خاکستری است که در یک روز طوفانی تند باد شدید همه را بر باد فنا میدهد (دشمنان حق) از تلاشها و دستاوردهای خود طرفی برنبنند آری اینست همان گمراهی دور از فلاح. (ابراهیم/۱۸)

مردم مسلمان ایران برادران و خواهران

رسوایی رژیم کفر پیشه و ستمگر ایران اینک عالمگیر شده است. نه فقط مردم ایران در شهر و روستا، در کوچه و خیابان، در کارخانه و مدرسه، بلکه همه مردم بیدار دل جهان به ماهیت پلید و ضد مردمی این رژیم که از دیدگاه مردم مسلمان ایران کافر حربی محسوب میشود پی برده و پرده از چهره کریه و فریبکار و لاف زن و جنایت پیشه و خونخوار آن برگرفته اند.

رژیم خاین ایران که اینک درگیر بحرانهای کشنده اقتصادی و سیاسی گردیده است برای اینکه بار دیگر از آتش خشم خلق ستمدیده ما برهدو چند صباحی بیشتر به حیات سراسر خیانت پیشه خود ادامه دهد دست به تلاش مذبوحانه و اقدامات رسوا شده ای میزند و با تغییر کابینه و تظاهر به افتتاح باب انتقاد و گفت و شنود میکوشد تا خشم مردم را فرو نشاندو سرگرمی تازه ای برای انحراف جنبش انقلابی توده ها دست و پا کند. غافل از آنکه خلق مسلمان ایران راه قاطع و انقلابی خود را که به محو و نابودی این رژیم منجر خواهد شد دیری است انتخاب کرده و فرزندان دلیر جان برکف خلق با ایمان کامل به حقانیت و درستی اینراه و پیروزی نهایی به جهاد مقدس خود همچنان ادامه می دهند.

ضعفهای درونی رژیم و تضادهای پدید آمده بین استبداد پهلوی و امپریالیسم آمریکا و بحران ها و تنگنا های سخت اقتصادی و بالاتر از همه رشد همه جانبه مبارزه آشتی ناپذیر خلق و قهر و تسلیم ناپذیری همه قشرها و طبقات تحت ستم و استثمار، موقعیتی پدید آورده که در پرتو آن جمعی از عناصر آزادیخواه مهر سکوت را شکسته، طی نامه ها و بیانیه هایی پرده از روی حقایق تلخ و زشتیها و جنایتهای رژیم کنار زده و شمه ای از فساد و غارتگری و ظلم و شکنجه و آزاری را که بر مردم تحمیل میشود و ضایعات وحشت انگیزی که در مملکت وارد میشود بر ملا سازند و عمدتا ریشه این جنایات و فقر و ظلم و بدبختی ها را در سلطه حکومت استبدادی و سلطنتی پهلوی و نقض کامل قوانین اساسی و پایمال شدن حقوق و آزادیهای مردم و عجز و درماندگی رژیم در حل مسایل و مشکلات اقتصادی - اجتماعی کشور و تشدید بحران در همه زمینه ها، بالا گرفتن موج نارساییها و نارضایتی ها که همه از ماهیت فاسد و ضد مردمی و استعماری و وابستگی به استعمار و سرمایه داری جهانی ناشی میشود، همراه با توسعه اقدامات افشاگرانه مبارزان وطن در داخل و خارج از کشور و توجه عمیق تر افکار عمومی جهان نسبت به شرایط اختناق و سراسر شکنجه و وحشت، اقتصاد ورشکسته و فساد از حد گذشته موجود در ایران و در عین حال نگرانی محافل امپریالیستی و در راس آن جناح حاکم آمریکا از ادامه شرایط لرزان و شکننده کنونی که بآسانی میتواند منافع عظیم اقتصادی آمریکا و جهان سرمایه داری را بخطر اندازد، استبداد سلطنتی را در موقعیت دشواری قرار داده است زیرا اربابان برای حفظ آنچه دارند تغییراتی را در جهت تحکیم اوضاع و غلبه بر بحران خواستارند.

تغییر مضحک و در عین حال مهووع دولت و جانشین شدن آموزگار وزیر پر نفوذ و فَعَال کابینه هویدا بجای وی به پست نخست وزیری و باقی ماندن هویدا بصورت مهره ای همچنان فَعَال در هیات حاکمه و انجام جابجایی هایی در داخل دستگاه حکومتی و تثبیت همان عناصر اصلی که تا کنون مجری سیاست های ایران بر پایه استبداد داخلی و استعمار

خارجی بوده اند و بالاتر از آن بی اعتنایی و قیحانه و لجوجانه شاه نسبت بقوانین اساسی در نحو تغییر دولت و تشکیل دولت جدید و حتی عدم رعایت ظواهر امر در جلب تمایل و رای اعتماد مجلسین این امید واهی را بار دیگر بر باد داد که استبداد حاکم خود منشاء تغییراتی بنفع مردم و بر ضد خویش گردد.

همه چیز از تصمیم راسخ رژیم به ادامه سیاست های ضد ملی گذشته حکایت میکند. انصاری دلایل نشان دار کمپانی های خارجی همچنان در راس اقتصاد مملکت تثبیت میشود تا اجرای برنامه هایی را ادامه دهد که هدفش نابودی کامل تولیدات داخلی و تبدیل کشور به بازار مصرف کالاها و صنایع و ماشینهای ممالک غرب و سرمایه داری جهانی بوده است. کشاورزی ما قربانی همین سیاست ضد ملی گردید بطوریکه اگر یک روز قادر بخريد و وارد کردن گندم، برنج، گوشت، پنیر و میوه نباشند قحطی کاملی سراسر کشور را فرا میگیرد. (آمریکه تسلیمی وزیر بازرگانی کابینه هویدا اعلام نمود مؤید این مطلب است).

تحت سلطه این رژیم صادرات غیر نفتی ما طی سالهای حکومت استبدادی و دست نشانده بنزدیک صفر میل کرده است و در مقابل حجم واردات با سرعت بی سابقه ای در حال فزونی است بطوریکه حدود ۳/۴ درآمد ۲۰ میلیاردی نفت صرف خرید کالا از خارج میگردد.

تحت حمایت نوکر صفتانه متصدیان رژیم خاین ایران که در سالهای اخیر همه اطاقها و راهروهای هتلهای تهران را لاشخورهای شرکت های خارجی در بست در اختیار گرفته اند تا سهم خود را از جسد لگدمال شده و تاراج رفته ثروتهای ملی ما بچنگ آورند. آموزگار دلایل شرکت های نفتی در راس دولت جای میگیرد تا سلطه غارتگرانه اربابان خود را بر منابع نفتی و غیر نفتی ما تحکیم بخشد و ابقای نصیری در راس سازمان شکنجه گرو ضد امنیت کشور جز نشانه عزم رژیم به ادامه همان روشهای سرکوب و اختناق و شکنجه و اعدام گذشته نمیباشد. کمتر کسی فریب تظاهرات گربه وار این دستگاهها را به پشیمانی از شکنجه کردن مردم میخورد و این حقایق معلوم میکند که رژیم رسوا و دیوانه استبدادی تا چه اندازه نسبت به فریاد و اعتراضات خلقهای جهان و آزادیخواهان ایران بی اعتناست. و حتی اعترافات خود را در زمینه قبول اعمال شکنجه بدست فراموشی میسپارد. اینها همه نشانه آنست که علیرغم ادعاهای بلندگوهای دولت هیچگونه تغییری جدی در جهت تامین حداقل آزادی برای مردم و احترام بحقوق و منافع ملت رخ نداده است و محور سیاست ایران مانند گذشته بر پایه حکومت مطلقه استبدادی خاندان پهلوی می چرخد، استبدادی که موجودیت و منافع خویش را در گرو خدمت به منافع سیاست های استعماری و امپریالیستی و سرمایه داری جهانی و دلالت داخلی آنها قرار داده است و دولت ها جز آلت های بلا اراده و چاکران درگاه و غلامان خانه زاد این بزرگترین خاین و غارتگر تاریخ نبوده و نیستند.

اینک می بینیم آنچه از آن بعنوان یک موقعیت و فرصت نام برده میشود در واقع چگونه چیزی بوده است باید دید منافع حکومت مطلقه استبداد ایران در کجاست؟

حکومت استبدادی چه در فرم و چه در محتوی هرگز نمیتوانسته است پایگاهی در بین مردم ایران داشته باشد و برغم تبلیغات شبانه روزی رژیم نظام شاهنشاهی در چهارده قرن اخیر حتی در یک لحظه مورد تایید ملت ایران نبوده است. ملت ایران در چهارده قرن قبل با قبول اسلام خط بطلان بر نظامات استبدادی شاهنشاهی کشیدند و آنرا که سرچشمه رنجها و بدبختیها و ظلمها بود منهدم ساختند و بجای آن بحاکمیت اصول عدل و برادری اسلامی و برابری انسانها و حق مردم در تعیین سرنوشت تن دادند.

از آن ببعد اینگونه حکومتها و نظامها، حکومتهای غاصبی از سوی مردم تلقی شده است که تنها بازور سرنیزه بر مردم تسلط پیدا کرده اند، لذا مردم هر وقت و هر جا فرصت و قدرت یافته اند از قیام بر ضد آن خودداری نکرده و همچنان در راه برقراری حکومت مردم و حاکمیت عدل و برابری کوشیده اند. نهضت مشروطیت یکی از جلوه های تلاش مردم در

جهت نفی حکومت‌های غاصب استبدادی بوده است. ناکامی حکومت‌های استبدادی در جلب حمایت مردم بارها و بارها تکرار شده است و ناچار جز تکیه بر پایگاه طبیعی اجتماعی خود یعنی طبقات و قشرهای استثمارگر و ثروتمند راه دیگری نداشته اند. اگر روزی ملاکین بزرگ، اشراف و خانها عناصر تشکیل دهنده و پایگاه اجتماعی حکومت استبدادی بودند، اینک سرمایه داران دلالت صفت جای آنها را در هرم قدرت گرفته اند. منافع این گروه بطوری با منافع سرمایه داری بزرگ غرب گره خورده است که بدون حمایت آن بآسانی قادر به حفظ موقعیت خود نیستند. دولت های منبعث از این طبقه بوده اند که ایران را ظرف چند سال بصورت مستعمره اقتصادی سرمایه داری جهانی درآورده اند و سیاست هایی را در زمینه اقتصاد، کشاورزی و صنعتی و تجارت اعمال کرده اند که نتیجه آن جز تضعیف و انهدام تولیدات داخلی و مساعد کردن زمینه برای سودجویی و غارت بی حد و مرز اموال و ثروتهای عمومی و دسترنج مردم توسط سرمایه داران خارجی و عناصر وابسته به آنها در داخل نبوده است. روحانی عنصر فاسد و مامور آلت دست همین سیاست ها قبلاً در پست وزارت آب و برق با ساختن سدهای گرانبیستم و غیر مفید پول سرشاری به جیب خود و اربابانش سرازیر کرد که امروز دچار این فاجعه بی برقی شده ایم (در مملکتی که تا چند سال دیگر قصد دارد به دروازه های تمدن بزرگ برسد) و بعداً در پست وزارت کشاورزی زراعت و دامپروری ملی را که در حد خود کفایی و حتی بالاتر از آن قرار داشت ظرف چند سال چنان بخرابی و اهدام کشانید که هرگز باین آسانی دوباره جان نخواهد گرفت، بطوریکه تلاشهای رژیم هم برای جبران محدود این ضایعات بجایی نرسیده است. (رژیم از آن جهت دست با اقداماتی ظاهری برای اصلاح و ترمیم ضایعات وارد بر کشاورزی میزند که عواقب آن مانند هر پدیده دیگری اینک سخت بزبان او عمل میکند. بحرانهای ناشی از تورم و نوسانهای درآمد نفت و قیمت کالاهای وارداتی و افزایش سریع و مستمر قیمتها مشکل تامین نیازمندیهای اساسی روزانه مردم از خارج و... عواملی هستند که رژیم را وادار بانجام اقدامات نارسایی در این زمینه نموده است).

نتیجه اجرای این سیاست ها بازگرداندن اقتصاد کشور به عصر استعمار کلاسیک (تولید یک کالایی) و وابسته کردن بدرآمد نفت و از بین بردن همه تولیدات ملی (از جمله سقوط آخرین ونابودی عمده ترین و قدیمی ترین تولید کالای صادراتی ایران یعنی صنعت فرش بوده است) در مقابل این ضربات مهلک که بر سر قدرت تولیدی جامعه وارد آمده است، رژیم در سایه خرابی و انهدام دهات و هجوم روستاییان بشهرها به ساختمان سازی رونق داد و همراه با آنها صنایع مونتاژ (طریقه دیگری برای فروش محصولات خارجی و دلالتی سرمایه داری جهانی) را توسعه و رواج داد تا از بحران کار بکاهد و بر بیکاری عظیم روستایی غلبه نماید، لکن تجمع کارگران در شهرها و افزایش دستمزدها و تورم شدید و متزاید بنوبه خود بر سرعت انهدام کشاورزی و تولیدات اصیل ملی افزود و موجب تمرکز هر چه بیشتر سرمایه و ثروت در دستهای سرمایه داران وابسته داخلی و اربابان خارجی آنها گردید. دولت که از همه درآمدهای خود جز نفت تقریباً محروم شده است در اجرای برنامه های توسعه طلبانه خویش احساس درماندگی میکند. بخصوص تامین هزینه های خرید اسلحه و لشکر کشی ها و توسعه قدرت نظامی و ایفای نقش ژاندارمی منطقه و احداث پایگاههای عظیم نظامی در سراسر کشور که عمدتاً در جهت ایفای سیاست استراتژیک امپریالیسم آمریکا در منطقه میباشد و همچنین توسعه بی حد سازمانهای امنیتی و نیروهای سرکوب کننده داخلی که بهیچوجه حاضر بکاهش آنها نیست، بار سنگینی برای اقتصاد کشور بحساب میآید.

رژیم استبدادی بجای چاره جویی اساسی کمبود درآمد خود را از راه تحمیل مالیاتهای سنگین بر مردم تحصیل میکند. روزی نیست که مردم خبر تصویب اجرای مالیات تازه و افزایش قیمت کالا و خدمات دولتی (پست، تلفن، آب، و برق و بنزین و...) را نخوانند و نشنوند. در همان حال اجرای برنامه ای تو خالی و نمایشی نظیر تغذیه رایگان و دادن سهمی از سود کارخانه به کارگران که صرفاً برای فریب افکار عمومی در داخل یا خارج و پوشاندن چهره ضد مردمی و ضد

ملی دستگاه حاکمه تنظیم شده بود، نه فقط متوقف ماند بلکه از یک دوره تظاهر بحمايت از کارگران و توده های زحمتکش در شهر و روستا، رژیم ناچار شده است در مقابل تشديد تضادهای بين دهقانان و دولت و سرمایه دار و کارگر و نارضايتی روزافزون توده های محروم، چهره خشن و ضد مردمی خود را ظاهر سازد. اعتصابات گسترده کارگران در سالهای اخير و مقاومتها و اعتراضاتی را که بصورت کم کاری، خرابکاری و نظایر آن در برابر استثمار و استبداد حاکم نشان میدهد، همه سبب شده است که رژیم به حمايت از سرمایه داران و برای حفظ خود از زحمتکشان مقررات سخت و بی سابقه ای را بر ضد کارگران تصویب کند، بطوریکه برای هر گونه پرخاش و اعتراض ساده و حتی صرف تهدید باعتصاب هم مجازات سنگینی در نظر گرفته شده است. بی شک در آینده ای نه چندان دور با افزایش بحران کار و افزایش بیکاری و فقر متزاید کارگران و توده های محروم در شهرها و روستاها، دامنه اعتراضات گسترش مییابد و در مقابل اقدامات سرکوب کننده رژیم تشديد خواهد شد. علاوه بر آثار شومی که بر سیاست های ضد ملی رژیم مترتب است، فساد و فرسودگی دستگاههای اجرایی حکومت استبدادی خود عامل دیگری در بهدر دادن ثروتهای ملی محسوب میشود. علیرغم ادعاهای دروغ و برنامه های انقلابی شاهانه بر ضد فساد و دزدی و ریخت و پاش، میلیاردها از درآمد ملی و ثروت کشور بطور دایم توسط عناصر تشکیل دهنده حکومت و در راس آن خانواده سلطنتی ربنده و صرف تامین هزینه خوشگذرانیها و ساختن کاخهای افسانه ای یا انباشتن در بانکهای خارجی و سرمایه گذاری در خرید سهام شرکتهای مختلف جهانی میگردد. کیست که نداند رییس همه دزدها و غارتگران مملکت و بزرگترین سهامدار در همه شرکتهای بزرگ تولیدی و تجاری و بزرگترین زمیندار و مقاطعه کار و صاحب کارخانه و تجارت و بزرگترین سهامدار و سرمایه دار ایرانی در شرکتهای و مؤسسات و بانکهای خارجی شخص شاه و دیگر اعضای خانواده ننگین پهلوی است؟ عمق و وسعت این ضایعات بقدری است که هر چند یکبار رژیم بوجود آن اعتراف میکند و یکی دو نفر از همپالگی های خود را که بدلائل دیگری مغضوب اند فقط برای چند صباحی تنبیه میکند و بعداً هم با سرو صدا آنها را در پست های تازه ای می گمارد تا به وظایف خود ادامه دهند. تحت چنین شرایطی که میگوییم نگهدار و حامی طبیعی و صمیمی دستگاه قدرت استبدادی در داخل طبقه سرمایه دار دلال صفت و غارتگری است که مواضع قدرت اقتصادی سیاسی را بیشتر اوقات توأمأ اشغال کرده است و چند سالی است که سعی کرده است سران نظامی را هم در منافع اقتصادی و دزدیهای خود سهیم کند و در خارج، حامی رژیم از یک سو قدرتهای اقتصادی جهان سرمایه داری است که منافع حیاتی در ایران دارند و از دیگر سو دولتهای سلطه جو و متجاوز جهانخوارند که نه فقط حامی کمپانیها و منافع اقتصادی وابسته به خود هستند بلکه در عین حال منافع عظیم استراتژیک در منطقه دارند ایران سر پل حساس آنها در این منطقه از جهان بشمار میرود و نقشی را باید برای آنها ایفا کند که آلمان در اروپا و برزیل و آمریکای جنوبی و ژاپن در خاور دور دارد، وجود همین منافع عظیم اقتصادی و استراتژیک در ایران است که دولتهای بزرگ سلطه گر را نسبت باوضاع آسیب پذیر ایران نگران میکند. چه ضعف و ناتوانی رژیم از ایجاد یک وضع باثبات از لحاظ سیاسی و اقتصادی در یک چنین زمینه ای رشد نهضت ها و حرکتهای انقلابی در سالهای اخير و تشديد نارضايتی عمومی و عمیق تر شدن شکاف بين مردم و هیات حاکمه، همه موجب تکامل مبارزه و رشد شرایط و مقدمات انقلاب در ایران شده است. قدرتهای سلطه جو و سرمایه داران جهانی که خود را در مقابل خطر از دست دادن همه چیز می بینند و چنین وضعی را نتیجه فساد و ضعف و فرسودگی راس هرم قدرت استبدادی و جدایی کامل آن از ملت میدانند اصلاحاتی را خواستارند که این وضع بحرانی و شکننده را در جهت تثبیت وضع موجود تغییر دهد. این جناح از قدرتهای سلطه جوی امپریالیستی که دارای روشن بینی بیشتری نسبت به حوادث و اوضاع هستند و منافع دراز مدت استعماری خود را در مدت نظر دارند مایلند که قدرت مطلقه استبدادی تجدید شود و با دادن مقدار معینی آزادی به مردم از فشار نارضايتی و خفقان بکاهند و بجای حکومت عناصر فاسد و سلطه یک خاندان ثروت اندوز قشری از تکنوکراتهای خدمتگزار و سرسپرده زمام امور را

در دست گیرند و چون استبداد محمدرضا شاهی در مقابل همین اندازه تغییرات که متضمن محدود شدن نسبی قدرت و سلطه مطلقه اوست مقاومت و سرسختی نشان میدهد آن محافل هم تا حدودی فعالیتهای افشاگرانه نیروهای آزادیخواه ایرانی را در خارج آزاد گذارده به مطبوعات و دیگر وسایل ارتباطی وابسته به خود اجازه دادند تا بطور نسبی پرده از روی چهره خشن و کثیف و فاسد و درهم شکسته رژیم بردارند و گوشه ای از غارتگریها، شکنجه ها و اقدامات بی رحمانه و ضد مردمی آنها را بر ملا سازند. شاه در راس هیات حاکمه در مقابل این حوادث تسلیم نشدن را چنانکه گفتیم اینکار اولاً او را از منافع عظیم مادی که در سایه سیاست های گذشته کسب کرده است محروم می سازد و سلطه مطلق او را بر اقتصاد و سیاست کشور متزلزل میسازد و از دیگر سو میل بکسب و تمرکز پول و قدرت وجود او را فرا گرفته است و برای حفظ موجودیت رژیم در وارد کردن فشار و سرکوبی مردم و شکنجه و آزار مردم حق طلب پیشرفت کرده است و آنقدر در لجنزار فساد و تباهی و آدمکشی و خیانت و جنایت فرو رفته که هیچ راه بازگشتی برای او باقی نمانده است و یقیناً عقب نشینی را مقدمه نابودی خود می شمارد. رژیم برای مقابله با فشارهای خارجی و سرکوبی و کنترل اعتراض ها و شورشهای داخلی ضمن تکیه بیشتر بر پایگاه اجتماعی خود که سرمایه داری وابسته و مدیران و کارشناسان وابسته و در خدمت میباشند هم از تناقض و تضاد بین جناحهای مختلف و قدرتهای استعماری سود می جوید و هم قدرت نظامی و نیروهای سرکوب کننده و ضد خلقی خویش را بخدمت میگیرد. در همان حال برای خنثی کردن فعالیت های افشاگرانه در داخل و خارج بمانورهای گول زنده ای دست میزند و چنان وانمود میکند که گویا تصمیم دارد آزادی محدودی در چارچوب نظام شاهنشاهی بمردم عطا کند، زندانیان سیاسی را آزاد کند و شکنجه را موقوف سازد و برای مردم حق انتقاد قایل شود و سرانجام اقتصاد مملکت را سامان بخشد و ثبات مورد نیاز اربابان خود را راساً تامین کند.

در مقابل چنین موضعگیری از جانب رژیم آن جناح از قدرتهای اقتصادی که اینک در آمریکا در راس قدرت است و استبداد فاسد سلطنتی شاه را عاجز از انجام اصلاحات جدی میداند و بر ظاهر سازیهای دستگاه وقوف دارند بدلیل چندی از اعمال قدرت و فشار نامحدود و جدی برای پیشبرد نظریات خود و وادار کردن شاه به اجرای تغییرات مطلوب پرهیز دارند. این اعمال قدرت از جانب قدرتهای سلطه جوی خارجی هم میتواند بصورت یک اقدام سریع نظامی در داخل (کودتا بر ضد شاه) انجام گیرد نظیر آنچه در مورد رژیمهای دست نشانده ای چون نگودین دیم در ویتنام انجام شد و هم میتواند به صورت اعمال محدودیتهای شدیدتر در کمک اقتصادی و سیاسی ظاهر شود و تا تسلیم شاه ادامه یابد، اما در اجرای هر یک از این دو روش با مشکلات و موانع جدی روبرو هستند. در حال حاضر نه اوضاع جهانی و نه تناقضات درونی آمریکا و مخالفت جناحهای دیگر از قدرتهای اقتصادی و سیاسی اجازه دست زدن بیک اقدام جدی علیه یکی از دست نشاندهگان را نمیدهد، بنا براین احتمال تقریباً منتفی است، بخصوص که تجربه هم نشان داده است که این روش چندان دردی دوانمیکند و شاید حرکت حوادث را در جهت سقوط و متلاشی کردن رژیم سیاسی - اقتصادی موجود که هدف آنها حفظ آنست تسریع نماید، زیرا فساد کنونی همه استخوان بندی و پیکره رژیم را فرا گرفته است و هرگز به شاه و خاندان سلطنتی محدود نمانده است و هیچ قدرتی و جناحی از درون هیات حاکمه قادر نیست به اوضاع نابسامان فعلی سامان جدی و اساسی بخشد. آمریکا برای اعمال فشار سیاسی و محدودیت اقتصادی و نظامی نیز با مشکلاتی روبرو است. آنها میترسند که شاه و رژیم او برای حفظ قدرت خویش به مانورهایی دست بزنند که منافع اقتصادی و استراتژیک او را در منطقه بخطر انداخته و تعادل موجود قوا را بنفع رقبایش در همان جبهه غرب (مثالاً فرانسه) برهم زند.

این وضعیت از لحاظ منافع و هدفهای سیاسی آنها نقض غرض بشمار میرود بهمین جهت ملاحظه میشود که در فشار برای اجرای خواستههایشان کمال احتیاط و میانه روی را مرعی میدارند و راه آشتی و سازش را با قدرت استبدادی

محمدرضا شاهی باز میگذارند. با اینهمه فشار سیاسی آنقدر بوده است که رژیم را در وضعیتی قرار داده است که لااقل تا وقتی بر بحران عظیم اقتصادی غلبه نکند و از تنگناهای کشنده موجود تا اندازه ای رهایی نیابد و اوضاع را به ثبات نسبی نرساند و تناقض بین نظریات خود و امپریالیستها را حل ننماید، نمیتواند همانند گذشته آشکار و نامحدود هر فریاد و نیروی مخالفی را سرکوب سازد و ناچار است بعضی ظواهر و محدودیتهای مراعات نماید. از همین نقطه ضعف است که حرکتهای آزادیخواهی ضد استبدادی میتواند ضربات مؤثری بر پیکره رژیم وارد آورند و اینکار در وهله اول با توده ای کردن اعتراضات و تشویق و تحریض حرکت های خودبخودی مردم در سطوح مختلف امکان پذیر است.

آنچه مسلم است رژیم تا آخرین مرحله در مقابل فشار برای هر تغییری که قدرت نامحدود و سلطه مطلقه او را بر اقتصاد و سیاست کشور بخاطر اندازه مقاومت می ورزد. در نهایت امر و هنگامیکه خطر را نزدیک احساس کند به تغییرات روبنایی دست خواهد زد چنانکه هم اکنون در این زمینه دست باقداماتی گول زننده و سطحی زده است که آزاد کردن تعدادی از زندانیان سیاسی از آنجمله است. همچنانکه نباید از قدرتهای استعماری و سلطه جوی غربی انتظار فشار زیاده از حد بر رژیم را داشت. سیاست دولت با بلوک شرق برهبری شوروی هم در این میان همانند گذشته بر اساس همزیستی با رژیمهای ضد مردمی و دیکتاتورها و اقلیتهای حاکم رهبری میشود که کلاً متأثر از سیاست تاجرمآبانه آنها در تقسیم جهان به مناطق نفوذ خود میباشد. فرصت طلبی این دولتهای باصطلاح سوسیالیست، سالهاست ماهیتهای ملت گرایی افراطی خود را نشان داده است. آنها هیچ فرصتی را برای جلب منافع و امتیازات بیشتر از راه دوستی و حمایت از رژیمهای دست نشانده و ضد خلقی از دست نداده اند. در کاربرد این شیوه بین جناح های مختلف و متضاد بلوک کمونیستی تضاد اساسی مشهود نیست. سفر شاه و فرح در شرایطی که وی از ترس جان قادر به مسافرت به ممالک اروپا و امریکا نیست و دولتها هم حاضر به تضمین جان وی نیستند به لهستان و چکوسلواکی دو کشور کمونیست اروپای شرقی سخت بامعنا جلوه میکند. بنابراین تنها عامل تعیین کننده در سرنوشت رژیم استبدادی شاه قدرت کوبنده مبارزه جوی مردم است که باید ضمن تشکل خود در حرکت های ضد استبدادی و انقلابی با استفاده از هر فرصت مناسب ضربات تازه ای بر پیکر رژیم وارد سازند.

بدون تردید یک عامل اساسی برای به بن بست کشاندن رژیم و شکست برنامه های ضد خلقی آن، مبارزه انقلابی مردم و در پیشاپیش آن مبارزه مسلحانه مجاهدان و فداییان خلق بوده است که با خون شهیدان خود و تحمل شکنجه ها و پیر کردن زندانها پرچم مبارزه ملت را برافراشته نگه داشتند و فریاد قهر و خشم و اعتراض مردم را بگوش جهانیان رساندند و امید بآینده و سروری جهانی را در دلهای مردم مستضعف زنده نگاهداشتند و نگذاشتند که رژیم، ایران را بگورستان محمدرضا شاهی تبدیل کند، تا آنجا که خواب راحت را از شاه و وابستگان او گرفته اند و بطوریکه در هیچ جا نه داخل و نه خارج از کشور از خشم ملت و مجاهدان از جان گذشته احساس امنیت نمیکند.

رژیم خاین استبدادی و دست نشانده شاه با موضعگیری سیاسی - اقتصادی همه قشرها و طبقات اصلی جامعه را علیه خود بسیج کرده است. قشرهای روشنفکر کشور سالهاست ضربات مهلک تازیانه استبداد داخلی و قدرتهای سلطه جوی خارجی را بر گرده های خود احساس میکند و در مقابل بیشترین سهم را هم اکنون در مبارزه با آن و در برافراشته نگاهداشتن پرچم پیکار خلق بر عهده گرفته اند و هم در این راه قربانی ها داده اند و می دهند تولید کنندگان داخلی خرده پا و کسبه که طبقه خرده سرمایه دار ملی را تشکیل میدهند در سالهای اخیر ضربات سختی را از جانب رژیم تحمل کرده اند. سیاست اقتصادی رژیم که در جهت حمایت از انحصارات و تراست ها و کارتل های سرمایه داری و وابسته داخلی و اربابان خارجی آنهاست این طبقه را در فشار خردکننده ای قرار داده است. آگاهی رژیم از نقش پیشرو و مترقی این طبقه در طول یک قرن اخیر در حمایت از (نهضت های) آزادیخواهی و ضد استعماری و ضد استبدادی سبب شده است که کینه توزانه سرمایه داری خرده پای ملی را مورد حملات سخت و آزار قرار دهد و قدرت آنرا در هم کوبد و

متلاشی سازد. روحانیت مترقی و مبارز در صف روشنفکران کشور در طول یک قرن مبارزه ضد استعماری و ضد استبدادی نقش برجسته و پیشرو در میدان نبرد بر عهده گرفته اند. بیداری وجدان و رشد آگاهیهای درست و اصیل اسلامی و در نتیجه توسعه و افزایش قدرت جنبش اسلامی و فشرده شدن نیروهای مبارز در صفوف این حرکت رژیم را بانتقام جویی و سفاکی بی نظیری از مسلمانان و روحانیون مبارز کشانده است. تلاش استبداد و استعمار از زمان سلطه رضا خان در ایران و آتاتورک در ترکیه بمنظور محو هویت اسلامی این ممالک و ریشه کن ساختن فرهنگ اصیل اسلامی هدفی جز نابود کردن این نیروهای محرکه قوی و ریشه دار حرکت‌های مترقی و انقلابی در این ممالک نداشته است. استبداد محمدرضا شاهی این برنامه را با وسعت و عمق بیشتری ادامه میدهد در همان حال که ارتجاع مذهبی را برای مقابله با جنبش مترقی اسلامی حمایت میکند سعی دارد بجای فرهنگ اسلامی، فرهنگ غیر مذهبی سرمایه داری و مصرفی اروپای غربی و آمریکا را حاکم کند که هدفش تبدیل مردم به گله حیوانهای سربزیری است که انگیزه ای جز خوردن و اطفای شهوت جنسی نداشته باشند. ترویج لاقیدی و لامذهبی و بی بندوباری و فساد و طلاق و تشویق میل به مصرف و تکیه روی آزادی جنسی و روابط آزاد زن و مرد، بی اعتبار کردن همه ارزشهای اصیل اخلاقی و مذهبی در میان جوانان و شستشوی مغزی نسل جدید که بکمک برنامه های استعماری آموزشی و تبلیغات تلویزیون و نظایر آن همه در جهت خدمت به منافع سرمایه داری وابسته و اربابان خارجی آنها و حفظ قدرت استبدادی و محروم کردن جامعه از نیروی محرکه انقلاب و قیام علیه وضع موجود صورت میگیرد، خلق مسلمان ایران هرگز فریب نمایشها و تظاهرات استعماری رژیم را در حمایت از فرهنگ اسلامی از طریق تاسیس دانشگاه اسلامی یا چاپ قرآن و نظایر آن نمیخورد و کمترین تردیدی در مورد ماهیت ضد اسلامی و ضد خلقی آن بدل راه نمیدهند و خلقهای آگاه و مبارز مسلمان میدانند که اگر عناصری چون سادات، شاه، ضیاءالحق بود از آنکه ماهیت ضد اسلامی آنها برهمه آشکار شده است اینک مدعی حمایت از اسلام و اجرای مقررات اسلامی اند، هدفی جز مقابله ضروری با نهضت های انقلابی خلقهای مسلمان ندارند بهمین جهت علیرغم همه تظاهرات دروغین و اقدامات خاینانه شان همگی با پدیده ترسناک رشد فوق العاده و تهدیدآمیز جنبش مترقی اسلامی روبرو هستند و ملاحظه میکنند که همان جوانها که هدف برنامه های پر هزینه سیاست زدایی و اسلام زدایی و استعماری میباشند بجای تن دادن به فساد و بی بندوباری و بجای فریفته شدن و گول خوردن با پیوستن بصفوف مجاهدان مسلمان و مبارزان ضد استبداد و ضد استعمار نهضت های آزادیبخش را قدرت روز افزونی می بخشند. مقاومت این نسل خلاق و مبارزه در مقابل برنامه های فرهنگی رژیم و تشکل مذهبی آنها در صفوف نبرد مسوولین و مقامات مربوطه را دچار شگفتی و خشم ساخته است. امروز مقاومت فرهنگی و حفظ سنگر فرهنگ اصیل و انقلابی اسلامی در مقابل حملات همه جانبه استبداد و استعمار وظیفه عمومی همه مبارزان راه آزادی و استقلال بشمار میرود زیرا استبداد و استعمار میکوشند با فتح این سنگر آخرین و مهمترین عامل مقاومت خلق ما را در هم بشکنند. زحمتکشان خلق ما سالها است طعم تلخ استعمار اقتصادی و استبداد سیاسی رژیم پهلوی را می چشند، سرمایه داری وابسته چپاولگر ایران در زیر چتر حمایت استبداد محمدرضا شاهی بی هیچ مانع و محدودیتی به غارت ثروتها و منابع ملی و استثمار زحمتکشان مشغول است و شاه مجبور شد موضع خود را بعنوان ابزاری سرکوب کننده در دستهای سرمایه دار دلال صفت داخلی آشکار نماید. اینک طبقه کارگر با وضوح بیشتری دشمن واقعی خود را که رژیم استبدادی محمد رضا شاه و هم پیمان او سرمایه داری وابسته است می شناسند و اراده خود را برای مبارزه با آن و کسب حقوق حقه خویش راسخ تر مینماید. همه این قشرها و طبقات اینک میتوانند در جبهه مشترک مبارزه با استبداد محمدرضا شاه شرکت جویند و با توجه به نقش قاطعی که این رژیم در حفظ سلطه استعماری امپریالیستهای سرمایه داری جهانی و سلطه استعماری غارتگران داخلی دارد همه نیروهای خود را برای درهم شکستن محور تکیه گاه آن که استبداد سلطنتی پهلوی میباشد متمرکز سازند. مردم ایران و در پیشاپیش آن نیروهای مبارز و جنبشهای پیشتاز از هم

اکنون هر جریان فرصت طلبانه ای را که هدفش حفظ و تایید استبداد محمدرضا شاه باشد محکوم میکند و کوشش در منحرف کردن مبارزه خلق مسلمان ایران تلقی میکند. امروز شعار اصلی مبارزه سیاسی همه قشرها و طبقات ضد رژیم باید مبارزه با سلطه استبدادی موجود تا محو کامل آن و اعاده حاکمیت بملت و قطع نفوذ اجانب و خلع ید از غارتگران داخلی کشور باشد. همه نیروهای مبارز و مجاهد خلق مسلمان ایران وظیفه دارند تمام امکانات خود را در جهت تشکل قشرها و نیروهای مترقی و طبقات زحمتکش و تحت ستم در مبارزه علیه استبداد سیاه پهلوی بکار برند و همچون گذشته در پیشاپیش و در صف مقدم جبهه پیکار رهایی بخش خلق و تا کسب آزادی و استقرار عدالت و برابری و اخوت اسلامی ادامه دهند.

پیروز باد نبرد رهایی بخش مردم مسلمان ایران علیه استبداد و استثمار درود بر همه نیروهای مجاهد و از جان گذشته خلق ننگ و نفرت و سرنگونی باد بر رژیم استبدادی و ضد مردمی پهلوی

**جنبش مسلمانان ایران**

**رمضان ۱۳۹۷**

**شهریور ۱۳۵۶**